فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۶
صفحات ۷۷ – ۹۶

رازکاوی مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیهما‌السلام به کاشان و پیامدهای آن*

فاطمه‌سادات علوی علی‌آبادی[۱]
محمد سپهری[۲]
سید علیرضا واسعی[۳]

چکیده

هجرت آدمیان به سرزمین دیگر، با انگیزه‌هایی مختلف صورت می‌گیرد؛ اما در فرهنـگ اسلامی بر دو عنصر بیشتر تأکید شده است؛ آموختن دانش و اصلاح جامعـه. بیشـترین هجرت پیشوایان و بزرگان مذهبی، به سائقه دوم بوده است؛ هرچند گریـز از فشـارهای سیاسی اجتماعی یا پیداکردن مکانی بهتر و امن‌تر برای زندگی، از نظـر دور نیسـت. در میان هجرت‌های تبلیغی نیز برخی جنبهٔ مبارزه با اندیشه‌ها یا اقدامات غیراسلامی را در دستور کار داشته‌اند که از ارزش بیشتری برخوردار است. مهاجرت ابوالحسن علی، فرزند امام باقر علیه‌السلام به کاشان، ازجمله مهاجرت‌هایی است که به‌نظر می‌رسـد بیشـتر بـا انگیـزهٔ اخیر رخ داده و تأثیری مناسب در منطقه گذاشته اسـت و از ایـن‌رو، شایسـتهٔ بررسـی و واکاوی است. وی به درخواست مردم کاشان از امـام بـاقر علیه‌السلام و بـه عنـوان نماینـدهٔ آن حضرت، در درجهٔ نخست برای ترویج اندیشه‌های بنیادین شیعی در منطقـهٔ هـدف و در مرتبهٔ بعد، جلوگیری از پیشرفت کار و نفوذ اندیشه‌های بیگانه در منطقه، هجـرت کـرد. البته بررسی‌ها نشان می‌دهد که اوضاع فرهنگی و تمدنی کاشان در ایـن تصـمیم‌گیری

* این مقاله، برگرفته از رسالهٔ دکتری «علل، انگیزه‌ها و پیامدهای مهاجرت امامزادگان به ایران، در قـرون نخسـتین اسلامی؛ از ابتدا تا پایان قرن پنجم هجری» است.

۱. عضو هیئت علمی جامعةالمصطفی و دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی. fsalavi2014@gmail.com
۲. استاد گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (عهده‌دار مکاتبات). sepehran55@gmail.com
۳. دانشیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. vaseiali@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۱۹

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

بی‌تأثیر نبوده است. او در مسیر تحقق مأموریت، فعالیت‌هایی قابل توجه انجام می‌دهد که می‌تواند الگوی زیست شیعی به شمار آید؛ چنان‌که مهاجرتش چه در زمان حیات و چه پس از آن، آثار و پیامدهایی درخور داشته است. بر این اساس، مسئلهٔ اصلی پژوهش، نشان‌دادن انگیزه و پیامد هجرت ابوالحسن علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام به کاشان است، با این فرضیه که هجرت وی، در پی درخواست مردم منطقه از یک‌سو، وجود بستر مناسب از سوی دیگر و با انگیزه ترویج دین و مبارزه با بدکیشان از دیگرسو بوده است.

واژگان کلیدی

علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام، امامزادگان، مهاجرت، کاشان، یهودیان.

پیشینهٔ تحقیق

به رغم اهمیتی که امامزادگان در ایران دارند، مطالعهٔ روشمند و پژوهش علمی دربارهٔ آنان، هم‌چنان در ابتدای مسیر قرار دارد. امامزاده علی نیز از این دست است. نگاهی به نوشته‌های موجود، نشان می‌دهد که در خصوص ایشان اثری تحلیلی پدید نیامده و آن‌چه تألیف شده، در حد تأیید نسب و ذکر زیست‌نامهٔ عمومی وی است. از جملهٔ آنها می‌توان به کتاب‌های «تذکره سلطان‌علی»، «خورشید اردهال» و «سفیر اردهال» اشاره کرد؛ اما واکاوی هدف و پیامدهای مهاجرت وی، مورد توجه قرار نگرفته است. این نوشته می‌کوشد در حد توان و داده‌های تاریخی و کتب سیره و... به این نکته بپردازد.

مقدمه

مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام به کاشان، نقطهٔ عطفی در تاریخ این منطقه به شمار می‌رود. مرقد این امامزاده، امروزه خاستگاه عقیدتی و سیاسی شیعیان است و این رویکرد ارادتمندانه، هر سال در مراسم باشکوه قالی‌شویان، در دومین جمعهٔ مهرماه، متجلی می‌گردد. اخبار فراوانی از نسبت برخی مزارات کاشان با امامزادگان وجود دارد که رسیدن به درستی برخی از آنها، کمی دشوار می‌نماید؛ با این حال، تردیدی در حضور و اقامت و شهادت علی‌بن‌محمد علیهما السلام در اردهالِ کاشان نیست؛ چنان‌چه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی، به سرداب امامزاده مشرف شدند و جنازهٔ یاران شهید علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام را سالم و باطراوت مشاهده نمودند.

با توجه به اثرات مادی و معنوی که بر این واقعه مترتب است، سؤال اصلی را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

می‌توان چنین مطرح نمود که انگیزهٔ مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام به کاشان چه بوده است؟ در این پژوهش، متون تاریخی به عنوان متون اصلی و منابع روایی، حدیثی و نسب‌نگاری، به عنوان متون مرتبط با موضوع مقاله، بر اساس روش تحلیل تاریخی مفهومی و متنی مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند تا انگیزه و پیامدهای مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام به کاشان، به تصویر کشیده شود.

شخصیت و مهاجرت علی‌بن‌محمد

شاید امروزه پژوهنده‌ای در نسب ابوالحسن علی و پیوندش به امام محمد باقر علیه السلام تردیدی نداشته باشد؛ اما بر اساس مستندات تاریخی، وی از فرزندان بلافصل امام باقر علیه السلام است. منابع بسیاری بر این نکته تأکید کرده و به صراحت بر انتساب بی‌واسطه‌اش به آن حضرت سخن گفته‌اند.[1] شیخ مفید، وی را جزء فرزندان امام پنجم آورده است (شیخ مفید، ۴۶۴). اهمیت ایشان، صرفاً در امامزادگی‌اش خلاصه نمی‌شود. شیخ طوسی، او را در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته است (شیخ طوسی، رجال، ۲۴۴). علی‌بن‌محمد علیهما السلام که در فرهنگ و محاوره‌های امروزی به سلطان‌علی شناخته می‌شود، دارای نسلی ماندگار است. وی دختری به نام فاطمه داشت که مادرش ام‌ولد بود و بعدها این دختر به همسری امام موسی کاظم علیه السلام، هفتمین پیشوای شیعه درآمد (زبیری، ۶۴) که در باور شیعی، چنین پیوندی اهمیت ویژه‌ای دارد. برخی محققان، امامزاده احمد، مدفون در محلهٔ باغات اصفهان (بحرانی، ۳۴۲؛ حسینی زرباطی، ۱۴۳) را که مورد توجه باورمندان مذهبی است، فرزند دیگر وی دانسته‌اند.

ابوالحسن علی نزد بزرگان فقه و حدیث تشیع و تسنن، به عنوان یکی از اعاظم اولاد امام باقر علیه السلام (النمازی الشاهرودی، ۴۳۸-۴۳۹) و صاحب کرامات آشکار و جامع فضائل (الشبستری، ۴۲۳/۲) و نیز یکی از رجالیون عصر صادقین علیهما السلام به‌شمار آمده است

۱. کتاب «نسب قریش»، کتاب «جمهره الانساب العرب»، کتاب «النقض»، کتاب «نهایه الانساب»، کتاب «تذکره الانساب»، کتاب «لباب الانساب»، کتاب «منتخب التواریخ»، کتاب «عمده الطالب الکبری»، کتاب «ریاض العلماء»، کتاب «المجدی فی انساب الطالبیین»، کتاب «مشجرات»، کتاب «تاریخ قم»، کتاب «مجالس المؤمنین»، کتاب «مزارات علویین»، کتاب «غایه الاختصار»، کتاب «منتهی الامال»، کتاب «جنات الخلود»، کتاب «بحار الانوار»، کتاب «نور باهر» و... از کتاب‌هایی هستند که نام و نسب این امامزادهٔ جلیل‌القدر در آنها ثبت و ضبط شده است (رک: فرخ‌یار، ۱۳۶۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

(اردبیلی، ۶۰۰/۱). با جست‌وجو در کتب حدیثی، نام او را در پاره‌ای از روایات می‌توان دید؛ ازجمله:

«قد روی عن علی‌بن‌محمد الباقر علیه‌السلام أنه سئل عما یقوله الناس أن أباطالب فی ضحضاح من نار، فقال لو وضع ایمان أبی‌طالب فی کفه میزان وإیمان هذا الخلق فی الکفه الأخری لرجح إیمانه. ثم قال: ألم تعلموا أن أمیر المؤمنین علیا علیه‌السلام کان یأمر أن یحج عن عبدالله وأبیه أبی‌طالب فی حیاته، ثم أوصی فی وصیته بالحج» (ابن‌أبی‌الحدید، ۶۸/۱۴).

همچنین در سلسله روایات دیگری، نام وی دیده می‌شود که اثبات انتساب آنها، نیازمند پژوهشی جداگانه است. برای نمونه در «الکافی» چنین آمده است:

«علی‌بن‌محمد رفعه قال قیل لأبی عبداللّه علیه‌السلام لم صار الرجل ینحرف فی الصلاه إلی الیسار فقال لأن للکعبه سته حدود أربعه منها علی یسارک واثنان منها علی یمینک فمن أجل ذلک وقع التحریف علی الیسار» (کلینی، ۴۸۷/۳)

واژۀ «علی‌بن‌محمد» بیش از ۵۰۰ بار در اسانید روایات کافی ذکر شده است و عنوان مشترک بین علی‌بن‌محمدبن‌بندار و علی‌بن‌محمدبن‌إبراهیم و علی‌بن‌محمدبن‌الاشعث و علی‌بن‌محمدالحضینی و علی‌بن‌محمدالعلوی و علی‌بن‌محمدالقاسانی أو القاشانی و علی‌بن‌محمدالهرمزانی و... است و به‌نظر می‌رسد تشخیص و تمیز میان آنها، نیاز به بررسی روایات و راویان آنها دارد (الغفاری، ۴۹۷-۴۹۸).

سلطان‌علی بر اساس اطلاعات تاریخی، به دیار کاشان کوچید و تا پایان عمر در آن‌جا زیست. در تذکره خطی مربوط به سال ۹۳۳ ه.ق، شرح آمدن وی به کاشان و توجه شیعیان به او تا چگونگی شهادتش آمده است؛ هرچند پیش از آن گزارش روشنی در دست نیست.[1] افرادی همچون خوانساری، شوشتری، بحرالعلوم، شیخ عباس قمی و... برابر داده‌های پیشین، به نام ابوالحسن علی و مدفن او در بارکرس[2] در ناحیۀ کاشان

۱. قدیمی‌ترین تذکرۀ موجود که شامل شرح حال امامزاده و یارانش است، در سال ۹۳۳ ه.ق تألیف شده است و در آستانۀ مقدسۀ امامزاده نگهداری می‌شود. این رساله را نخستین‌بار ملاعبدالرسول مدنی (۱۲۸۰-۱۳۶۶ ه.ق) از علمای کاشان، با مقدمه‌ای که بر آن نوشت، به چاپ رسانده است. این اثر بارها تجدید چاپ شده است (رک: مدنی، ۱۴۰۳).

۲. بارکرز، بارکرسف یا بارکرسب نیز ذکر شده که همان «مشهد اردهال» کنونی است و صحیح آن، «اردهار» است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

اشاره کرده‌اند (خوانساری، ۲۱۲/۴؛ شوشتری، ۸۷/۱؛ آل بحرالعلوم الطباطبایی، ۱۰/۲؛ قمی، الکنی و الالقاب، ۵/۲؛ همو، منتهی الامال، ۷۴۳–۷۴۴). عبدالرزاق کمونه در کتاب «مشاهد العتره الطاهره واعیان الصحابه والتابعین»، علمای دیگری را نیز نام برده است که در آثار خود، به شخصیت ابوالحسن علی و فرزندانش پرداخته‌اند (کمونه حسینی، ۱۷۷–۱۷۸).

در تذکرهٔ امامزاده علی چنین آمده است که ایشان ابتدا در قریهٔ جاسب فرود آمد و پس از چند روز، به قریهٔ خاوه رفت و بعد از گذشت یک ماه، وارد شهر کاشان شد. او مدت سه سال در منطقهٔ کاشان و فین به امر ارشاد و حل مشکلات مردم مشغول بود. اقامهٔ نماز جمعه در مسجد جامع کاشان، موجب تجمع مردم از اطراف و اکناف برای شنیدن خطبه‌های آن جناب می‌شد. او در فصل تابستان به دعوت اهالی خاوه، به آن‌جا می‌رفت و به هدایت شیعیان می‌پرداخت. در این مدت، مردم کاشان، قم و دهات آن، همه‌روزه و به‌ویژه جمعه‌ها، برای اقامهٔ نماز جمعه با وی حضور می‌یافتند (رک: نسخهٔ خطی تذکره علی‌بن‌محمد الباقر علیهما السلام، ۹۳۳ ه.ق). واضح است که از وظایف مهم خطیب جمعه، آگاه‌کردن مردم از امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زمانه است که وی نیز چنین می‌کرد و در نهایت، آن جناب به دست دشمنان گرفتار آمد.

از عبارات تذکرهٔ امامزاده، چنین به برداشت می‌شود که سلطان‌علی و همراهانش، در روز ۲۷ جمادی‌الثانی سال ۱۱۶ ه.ق، پس از اقامهٔ نماز جمعه، در نبردی نابرابر در دربند ازناوه به شهادت رسیدند. خبر جنگ امامزاده با اشرار، موجب شد تا شش هزار نفر از مردم چهل حصاران[1] و فین، به سوی اردهال روانه شده تا او را یاری کنند؛ اما موفق به نجات وی نشدند. در نهایت پس از متواری کردن دشمنان، به بالین شهیدان رفته و عده‌ای را در محل قتلگاه، عده‌ای را در خاوه و عده‌ای را در کنار امامزاده (محل کنونی مزار که بنا به وصیت ایشان در نظر گرفته شده بود)، به خاک سپردند. از آن‌جا که فاصلهٔ دربند ازناوه تا محل دفن، طولانی بود و پیکر بی‌سر و قطعه‌قطعه شدهٔ امامزاده، قابل حمل نبود، مردم پیکر او را در یک قالی نهادند و به سوی محل دفن حرکت کردند و در محل کنونی بقعه، به خاک سپردند (رک: نسخهٔ خطی تذکره علی‌بن‌محمد

۱. نام قدیم کاشان.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

الباقر علیه‌السلام، ۹۳۳ ه.ق).

گذشته از نقش بیان‌شده، دو عامل دیگر در مهاجرت ابوالحسن علی قابل پی‌جویی است: ترویج اندیشه‌های بنیادین شیعی؛ و زمینهٔ مساعد تاریخی- تمدنی کاشان.

الف) ترویج اندیشه‌های بنیادین شیعی

در آغاز دورهٔ امامت حضرت باقر علیه‌السلام، جامعهٔ اسلامی در وضع فرهنگی- سیاسی نابسامانی به‌سر می‌برد. عرصهٔ فرهنگی جامعهٔ اسلامی، درگیر چالش‌های عمیق عقیدتی و تنش‌های مختلف فقهی میان فرق اسلامی شده بود. در عرصهٔ سیاسی، بسیاری از دانشمندان، مغلوب حاکمان سیاسی بنی‌امیه شده و از صحنهٔ سیاست کنار کشیده و عمده تلاش خود را متوجه زمینه‌های مختلف علمی نموده بودند. امام باقر علیه‌السلام دربارهٔ تنگناهای سیاسی عصر خویش و لزوم احقاق حق ولایت و خلافت خود و خاندانش فرمود: «مَثَل ما در میان امت، مانند بنی‌اسرائیل است که طاغی زمانشان، پسران آنها را می‌کشت و زنانشان را زنده می‌گذاشت...» (طوسی، الأمالی، ۱۵۴/۱). آن حضرت، به‌رغم شرایط نامساعد عصر، آغازگر نهضت علمی بزرگی شد که پویایی و عظمت آن، در دوران امام صادق علیه‌السلام به اوج رسید. در این میان، بررسی فهرست نام ایرانیان مرتبط با مکتب امام باقر علیه‌السلام، بیان‌گر آن است که همهٔ آنان شیعه نبوده‌اند (ذهبی، ۱۲۴) و نیز مؤید آن است که تشیع به‌تدریج و با گذشت زمان از طریق آموزش‌های امام باقر علیه‌السلام، گفتمانی مستقل برای اظهار آرمان‌ها و عقاید خویش در ایران به وجود آورد (مدرسی طباطبایی، ۶۷). از مهم‌ترین آثار جهاد علمی و فرهنگی امام محمد باقر علیه‌السلام در عصر اوج‌گیری فتنه‌های اموی و عباسی، می‌توان «احیای اندیشهٔ مهدویت» و «خنثی‌سازی توطئه‌های یهود» را برشمرد.

۱. احیای اندیشهٔ مهدویت

یکی از مسائل مهم و پرروایت در جوامع روایی شیعه، مقولهٔ مهدویت است. بسامد روایات در این خصوص بسیار چشمگیر است. از امام باقر علیه‌السلام نیز روایات زیادی در این خصوص نقل شده است (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸). وقتی هشام‌بن‌عبدالملک، خلیفه اموی (۱۰۵- ۱۲۵ ه.ق) امام باقر علیه‌السلام را به شام احضار کرد، امام در حضور خلیفه و جمع درباریان، پس از بیان موقعیت و پیشینهٔ خاندانش و نیک‌فرجامی راه خود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

فرمود: «... خداوند گذشتگان شما را به‌وسیلهٔ ما هدایت نمود و به دست ما نیز، مُهر پایان بر کار شما خواهد زد. اگر شما را امروز دولت مستعجل است، ما را دولتی پایدار خواهد بود و پس از دولت ما، کسی را دولت نیست. ماییم اهل عاقبت، که خداوند فرمود: عاقبت متعلق به اهل تقوی است» (کلینی، ۴۷۱/۱).

نوید آیندهٔ دلخواهی که چندان هم دور نیست، از مهم‌ترین شیوه‌های امیدبخش امام باقر علیه‌السلام بود: «... اگر بر این انتظار بمیری، بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی، حسن، حسین و علی‌بن‌الحسین علیهم‌السلام فرود می‌آیی... و اگر زنده بمانی، در همین جهان روزگاری را خواهی دید که چشم تو روشن شود و در آن روزگار با ما و در کنار ما برترین جایگاه را خواهی پیمود...» (همو، ۷۶/۸). بیاناتی از این قبیل، تشکیل نظام اسلامی و حکومت علوی را در آن محیطِ پر از اختناق، به صورت آینده‌ای محتوم و تخلف‌ناپذیر درآورده بود.

تأکید بر تشکیل حکومت مهدوی که مایهٔ امید و خوش‌بینی آدمیان به آیندهٔ زندگی است، در کلام امام تجلی بارزی داشته است؛ اما انتقال آن به سرزمین‌های دیگر، از جمله ایران که زمینهٔ مناسبی برای مهدویت داشت، در اولویت بود. امام، مهدویت‌گرایی ایرانیان را به خوبی به تصویر می‌کشد که چگونه در پی تحقق آن می‌کوشند و حتی شمشیر به دست می‌گیرند، قیام می‌کنند و تا شهادت پیش می‌روند. سپس می‌فرماید: «هان آگاه باشید! اگر من آن زمان را درک کنم و زنده باشم، خودم را برای صاحب این امر آماده می‌کنم و ابقا می‌نمایم» (نعمانی، ۱۸۲). این زمینه، فرصت مناسبی را برای حضور سلطان‌علی فراهم ساخت تا به ترویج بیشتر و صحیح اندیشهٔ مهدویت بپردازد.

با توجه به پیشینهٔ سوءاستفاده از آموزهٔ مهدویت در فرقهٔ کیسانیه (نوبختی، ۲۶) و سپس در بین اولاد عباس‌بن‌عبدالمطلب (همو، ۳۰-۳۶) و همچنین بعضی از نوادگان امام مجتبی علیه‌السلام در مقابله با عباسیان (البلاذری، ۷۸/۳؛ ابوالفرج الاصفهانی، ۲۱۷)، به نظر می‌رسد که حضور سلطان‌علی به عنوان نمایندهٔ عصر صادقین که آغازگر آموزه‌های مهدویت در بین شیعیان بوده‌اند (رک: غنوی، ۱۳۹۲) تأثیر نمایانی در ارائهٔ معارف مهدوی و آخرالزمانی و زمینه‌سازی برای جلوگیری از آفات بحث مهدویت و پیشگیری از ترویج انحرافات در فرهنگ شیعیان کاشان و حومه داشته است. قزوینی رازی، مردم

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

کاشان را شیعیانی ملتزم به فرهنگ انتظار توصیف می‌نماید (قزوینی رازی، ۴۷۱) و یاقوت حموی، به نقل از کتاب «فرق الشیعه» اثر احمدبن‌علی‌بن‌بابه کاشی (از علمای قرن پنجم و متوفی ۵۰۰ ه.ق) می‌نویسد: «درکاشان گروهی از خاندان علوی هستند که به انتظار ظهور قائم آل محمدﷺ هر روز صبح سوار بر اسب شده با شمشیرهای کشیده از شهر بیرون می‌روند، مثل این‌که خبر ورود امام به آنها رسیده است؛ و چون آفتاب برآمد و از آمدن امام خبری نشد، با اظهار تأسف بازمی‌گردند تا روز دیگر که دوباره بدین نحو قیام کنند (یاقوت حموی، ۲۹۶/۴).

۲. خنثی‌نمودن توطئه‌های یهود

ابن‌حوقل بر اساس داده‌های روایی اشاره می‌کند که وقتی یهودیان در سال ۵۸۷ قبل از میلاد، توسط بخت‌النصر از بیت‌المقدس رانده شدند، با خود کمی آب و خاک برداشتند و بی‌توقف پیش رفتند تا به شهر اصفهان درآمدند (ابن‌حوقل، ۱۱۰) و در این شهر سکونت یافتند و نسل آنها در این منطقه – که به نام خودشان، یهودیه نامیده شده است– گسترش یافت. در عصر فتوحات، با آن‌که یهودیان مجبور به پرداخت باج و خراج به اعراب بودند؛ اما در قلمرو خلافت اسلامی، در صلح و رفاه زندگی کرده و برای خود، سازمان منظم و دادگاه‌های مخصوصی داشتند و رش‌گالوتا یا سرپرست گالوتیان، رهبری ایشان را برعهده داشت. آنان همان‌گونه که در اولین سال‌های حکومت ایرانیان زیسته بودند، به صورت یک جامعهٔ یهودی آزاد، زندگی می‌کردند. در قلمرو مسلمین، موقعیت تازه‌ای برای عالم یهود به وجود آمد و امور معنوی و مادی یهود، بسط و توسعه یافت (رک: اباابان، ۱۷۷–۱۸۷).

شهر کاشان نیز به عنوان یکی از شهرهای مهم اصفهان، از دیرباز یهودیان را در خود جای داده بود و قدمت حضور یهودیان در کاشان به پیش از اسلام می‌رسید. البته این حضور همراه با رفت‌وآمدهای گروه‌هایی از یهودیانِ برون‌مرزی و درون‌مرزی توأم بوده است. چنان‌که به ادعای برخی علمای یهود (گوئل، ۴۴)، کاشان با دربرداشتن شماری از مدارس علمیه (یشیوا) و مکتب‌های سنتی الهیات یهود، با مردمی به‌شدت باورمند، به عنوان اورشلیم کوچک (بروشالائیم قاطان)، مورد استناد قرار می‌گرفته است. حضور تعداد قابل توجه کنیسه‌ها در جاهای مختلف محلهٔ کلیمیان کاشان، می‌تواند نشان‌گر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

حضور آنان در کاشان در طول زمان باشد (Fischel , 2007 , vol.15, p.789). تحقیقات جدید شهرشناسی نیز گویای قدمت تاریخی محلهٔ کلیمیان کاشان است (بیرشک، ۳۸۴/۳). در دهات اطراف، کم‌وبیش، اکثریت با یهودیان بوده است و فشار، تهدید و کشتار، در نهایت منجر به تغییر اجباری دین شده است. گفته می‌شود بخش عمدهٔ اهالی کنونی کاشان و نواحی اطراف آن، مانند بیدگل، آران، نوش‌آباد، ابیانه، برزک و بخش‌هایی از شهرستان‌های نطنز و قم، از جملهٔ همان یهودیان هستند (گوئل، ۵۴–۵۵).

از سوی دیگر، شواهد تاریخی گویای حضور «یهود مخفی» در کاشان است. خاخام یدیدیا شوفط[۱] چنین نقل کرده است که پدرش روزی به آران رفته و پیرمرد مسلمانی که با او آشنایی داشته است، در خانهٔ خودش اظهار داشته: «ما اجدادمان یهودی بوده‌اند و بالای خانه، اتاقی داریم که کتاب مقدس شما، طبق وصیت‌نامهٔ اجدادی، در آن محفوظ و مورد احترام ماست». در پشت کتاب «شاهین تورا»[۲] که به دست یهودیان افتاد، درباره ولادت افراد خانواده، نوشته‌هایی دارد که هریک دو اسم دارند؛ مثلاً مقابل سارا، فاطمه و مقابل شموئل[۳]، حسین و الی آخر (لوی، ۵۲۱/۳).

در ایام خلافت یزیدبن‌عبدالملک (۱۰۱–۱۰۵ ه.ق) که محدودیت‌های دورهٔ عمربن‌عبدالعزیز (۹۹–۱۰۱ ه.ق) بر یهودیان ادامه یافت، یک نفر یهودی اهل سوریه موسوم به سرن[۴] که احساس می‌کرد یهودیان از تجدید اجرای مقررات محدودیت عمربن‌عبدالعزیز به تنگ آمده‌اند، قیام نمود و عدهٔ زیادی از یهودیان را دور خود جمع نمود و ادعا کرد یهودیه[۵] را مستقل و به حکومت یزید در آن ناحیه، خاتمه خواهد داد. سرن در بین یهودیانی که از حجاز به‌یهودیه و اطراف[۶] مهاجرت کرده بودند، نفوذ یافت و چون ملاحظه کرد اجرای مقررات تلمودی مانع معاشرت یهودیان با خارجی‌ها

۱. Yedidia Shofet.

۲. شاعر یهودی که تورات را به نظم درآورده است.

۳. Shamuel.

۴. Sérne.

۵. محله‌ای یهودی‌نشین در اصفهان است که ساکنان آن در عصر بعثت، سِمت رهبری معنوی یهودیان جهان را داشتند.

۶. در آن زمان، کاشان جزء اصفهان بود و با توجه به قدمت یهودیان در کاشان، مهاجرت این دسته از یهود به کاشان، بعید نیست.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

می‌باشد و به این ترتیب نمی‌توانند از تورات استدلال نمایند، درصدد لغو تلمود برآمد. به هر حال یزید دوم، به سرن فرصت نداد و غائله را ختم نمود.

پس از مرگ یزید دوم، هشام‌بن‌عبدالملک زمام حکومتی را در دست گرفت که به واسطهٔ منازعات خونین قبیله‌ای و اغتشاش و آشوب زیاد در داخل و خارج، ارکان آن متزلزل شده بود. طوایف ترکمان و خزر به طرف شمال هجوم آورده، متعصبین خوارج با حس عدم رضایت به جوش‌وخروش درآمده و دعاه و مبلغین عباسی از پشت پرده برای برانداختن خاندان اموی در مشرق با تمام قوا مشغول تبلیغ بودند (سید امیر علی، ۱۴۳) و در ایران موفقیت‌هایی برای آنان حاصل شده بود؛ چراکه مردم ایران نظر مثبتی به خاندان اموی نداشتند و شقاوت‌های یزیدبن‌معاویه و حجاج‌بن‌یوسف را به خاطر داشتند. در این زمان که نشانه‌های انحطاط بنی‌امیه آشکار شده بود، هشام با درنظرگرفتن آشفتگی اوضاع، مصلحت را در آن دید که مقررات عمربن‌عبدالعزیز را نسبت به‌یهود لغو کند. به این منظور، کنیسه‌ها را به خرج خود مرمت نمود و مشاغل مهم را با حقوق زیاد، به یهودیان داد و این رویه را در تمامی قلمرو امپراطوری عرب اجرا نمود (لوی، ۳۳۵/۲-۳۳۶). از سوی دیگر، هشام به فرمانداران خود دستور داد نسبت به شیعه سخت‌گیری نموده و آنها را تحت فشار قرار دهید؛ آنان را زندانی نموده و آثار ایشان را محو کنید؛ خون آنان را بریزید و از حقوق عمومی محرومشان کنید. هشام به فرماندار مدینه دستور داد بنی‌هاشم را زندانی کند و آنان را از خارج‌شدن منع نماید (مغنیه، ۱۳۹). براین‌اساس، اعمال سیاست‌های خشونت‌آمیز از طرف خالدبن‌عبدالله قسری (عامل هشام در شرق خلافت)، جوّ اختناق و رعب و وحشت شدیدی را در عراق و ایران مرکزی ایجاد کرده بود.

فضای پرتنش و پرآشوب اواخر عصر اموی که در آن هر فرقه و گروهی به فکر منافع خویش بود، موجب شد که یهودیان ایران نیز ایده‌های جدیدی را با رهبران نوپای یهودی ابداع کنند؛ چنان‌که در سال ۱۲۹ ه.ق هم‌زمان با قیام عبدالله‌بن‌معاویه، ابوعیسی اسحاق‌بن‌یعقوب الاصفهانی[1] در اصفهان قیام نمود (Levy, 1999,P. 172). ابوعیسی ادعا کرد که ماشیح است و پیروان زیادی در بین یهودیان پیدا کرد و مقلدین او تحت عنوان

۱. Abu Isa Isaac ben Jacob al-Isfahani.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

«عیسوی‌ها»[1] یا «اصفهانی‌ها»[2] تا قرن دهم میلادی فعال بودند (Fischel & Netzer, 2007, Vol.10, P.80). به ادعای صاحب‌نظران یهود، فرماندار ری و اصفهان که طرفدار عباسیان بود، خواست که از وجود جمعیت کثیر یهودیان اصفهان، استفاده نماید و به ابوعیسی که مردی جسور و ورزیده و آشوب‌طلب بود رو آورد و به او اطمینان داد که در صورت موفقیت و فتح، فلسطین را به وسیلهٔ خلیفهٔ جدید، وطن یهودیان خواهد کرد و آنها را در آن‌جا جمع می‌نماید و ابوعیسی را رئیس و پیشوای یهود می‌گرداند (لوی، ۳۳۹/۲).

پس از شکست عبدالله‌بن‌معاویه از لشکریان شام و پناه‌بردن او به خراسان و قتل او به دست ابومسلم خراسانی، ابوعیسی اصفهانی نیز در نبردی با سربازان ابوالعباس سفاح، به هلاکت رسید و این جنبش توسط یودقان همدانی[3] در قرن هشتم ادامه یافت. یودقان یا یهودا[4] نیز همچون استادش مدعی بود که پیامبرِ پیروانش است و یودقانی‌ها باور داشتند که او ماشیح است. در این میان، جنبش ضدتلمودی عنان‌بن‌داوید[5] که خود پیشوای بزرگی بود و از تعالیم ابوعیسی اصفهانی اثر پذیرفته بود، فرقهٔ جدیدی به نام «قارائیم» یا «قارائیون»[6] ایجاد نمود (المسیری، ۳۵۹/۵) که مانند آتشفشان از اصفهان، همدان، نهاوند و قم، به بصره، بغداد، دمشق، اورشلیم، اشدود، قاهره، ترکیه و روسیه گسترش یافت (Levy, 1999,P. 177).

با توجه به آن‌چه ذکر شد، دوستداران اهل‌بیت علیهم‌السلام در کاشان، در اوایل قرن دوم هجری با چند مسئله مواجه بودند: نخست یهودیانی که در یهودیه زندگی می‌کردند و ظهور اسلام، بزرگی و شوکت و قدرت ایشان را به خطر انداخته بود و چه‌بسا به دنبال راهی برای اعادهٔ آن مجد و عظمت دیرین بودند. حضور رهبری به نام سرن، در جمع

۱. Isavis.
۲. Isfahanis.
۳. Yudghan of Hamadan.
۴. Yehuda.
۵. Anan Ben David.
۶. Qaraiyyun.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

یهودیان یهودیه و تلاش برای نابودی خلیفهٔ اسلام، نشان از فعالیت‌های پنهان و آشکار یهودیان ایران به منظور براندازی نظام اسلامی است. آن‌چه در دورهٔ خلافت هشام‌بن‌عبدالملک موجب تشدید نگرانی شیعیان منطقهٔ کاشان گردید، آزادی بی‌حدوحصر یهودیان در جامعهٔ اسلامی و به خصوص در منطقهٔ کاشان و اصفهان بود که داعیه‌دار رهبری یهودیان جهان بود. آزادی یهودیان، تهدیدی جدی برای اسلام عقیدتی به شمار می‌رفت؛ تا حدی که یکی از جریان‌های فکری و فرهنگی منحرف در زمان امام باقر علیه السلام، فعالیت‌های تخریبی یهودیان در حوزهٔ اعتقادات مسلمانان و نشر اسرائیلیات بود که آثار آن در اندیشه‌ها و نوشته‌های تفسیری و تاریخی و... باقی مانده است. فعالیت‌های تبلیغی یهودیان تا آن‌جا پیشرفت کرده بود که حتی دوستان و یاران حضرت باقر علیه السلام نیز تحت تأثیر روایات اسرائیلی قرار می‌گرفتند (کلینی، ۲۳۹/۴).

زمینه مساعد تاریخی - تمدنی کاشان

بر اساس کاوش‌های باستان‌شناختی، قدیمی‌ترین محل سکونت بشری که در دشت شناخته شده است، تپه‌های سیلک/ سیلگ[1] واقع در حاشیهٔ جنوب غربی شهر کنونی کاشان است (گیرشمن، ۱۹). تحقیقات باستان‌شناسی و زبان‌شناسی جدید در مورد گزارش لشکرکشی اَسَرحدون آشوری (ح ۶۷۶ ق.م) «در سرزمین مادهای دوردست، بر کرانهٔ کویر نمک، نزدیک کوه لاجورد بیگنی...» (Herzfeld, 1935, P.10)، کوه «بیگنی» را همان «جبال کرکس کاشان» دانسته و «معدن لاجورد بیگنی» را در «حدود قمصر کاشان»، منطبق نموده است (اذکایی،۹۲ و ۱۹۴).

شهر کاشان در سال‌های ۲۳ و ۲۴ ه.ق، هم‌زمان با قم و اصفهان به دست مسلمانان گشوده شد. برخی گزارش‌های متقدم از شروع صف‌آرایی ایرانیان در جنگ نهاوند، بیان می‌دارد که: «از مجموع صد و پنجاه هزار تن لشکریان اردوگاه ایران، بیست و پنج هزار نفر آنها از سربازان خطهٔ کاشان و قم بوده‌اند» (ابن‌اعثم کوفی، ۱۵۸/۲). این مطلب، گویای اهمیت و آبادانی و جمعیت قابل‌توجه کاشان در اواخر دورهٔ ساسانی است. از

۱. Sialk.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

سوی دیگر، مقاومت و ایستادگی مردم کاشان[1] در برابر سپاهیان ابوموسی اشعری و پناه‌بردن یزدگرد – آخرین پادشاه ساسانی– به منطقهٔ کاشان[2]، گواه متقنی است بر این‌که در آن ایام، جامعه‌ای بزرگ و حکومتی نیرومند در نواحی کاشان مستقر بوده است.

شواهد و قرائن تاریخی، حاکی از حضور پویا و پرنشاط تشیع امامیه در کاشان، در قرون نخست هجری است. در اکتشافات سال‌های اخیر در موضع قلعهٔ ویگل[3]، بقایای مسجدی نمایان شده است که محراب طلای آن در موزهٔ لوور پاریس نگهداری می‌شود و سازندهٔ آن حسن‌بن‌علی‌بن‌احمدبن‌بابویه الویدگلی بوده است و نمونهٔ ساروجی این محراب، در بقعهٔ امامزاده فضل‌بن‌موسی الکاظم علیه‌السلام در شهر محلات، اثر همین هنرمند شیعه است که در چلیپای داخل و اطراف به نام مقدس خمسهٔ طیبه اشاره کرده است. تاریخ ساخت محراب، به خط فارسی در قسمت زیر هلالی و چلیپا نوشته شده: «فی ایام امیرالمؤمنین رضی‌الله عنه سنه ثلاثین» و در قسمت زیر آن چلیپایی مربع‌شکل از اسماء خمسه طیبه، شامل چهار اسم محمد، چهار اسم علی، چهار اسم فاطمه، چهار اسم حسن و چهار اسم حسین علیهم‌السلام می‌باشد (هاشمی‌تبار بیدگلی، ۳۷–۳۹). حضور این مسجد با نمادهای شیعی در ویگل، حاکی از پویایی تشیع در سدهٔ اول هجری در کاشان و مناطق اطراف آن است.

قرینهٔ دیگر بر تشیع کاشان در سدهٔ اول هجری، نسبت قاتل عمربن‌خطاب به شهر کاشان است. بنا به روایاتی که اطمینان به درستی آنها کمی دشوار است، ابولؤلؤ پس از کشتن عمر، به زادگاه خود در کاشان گریخت (خواندمیر، ۴۸۹؛ شوشتری، ۸۷/۱؛ کلانتر ضرابی، ۴۳۸). اگر بپذیریم که مقبرهٔ منسوب به ابولؤلؤ در کاشان، متعلق به ابولؤلؤ – قاتل عمربن‌خطاب– است؛ یا این‌که مردم کاشان علاقه‌مند بودند که چنین باشد؛ به

۱. گویند ابوموسی اشعری همین که در گرفتن کاشان به واسطهٔ مقاومت سخت و دلیرانه مردم آن‌جا مأیوس شد، دستور داد مقداری از عقرب‌های شهر نصیبین را که در کوزه جای داده بودند به داخل شهر و میان مردم آن رها کردند و اهالی از زحمت و گزند حشرهٔ موذی به جان آمده و تسلیم گردیدند (مقدسی، ۵۸۱/۲–۵۸۲).

۲. پس از شکست نهاوند «پارسیان بی‌آنکه در جایی درنگ کنند، همین‌طور رو به فرار نهادند تا در حلوان به یزدگرد پیوستند. یزدگرد از شدت پریشانی، درمانده و سرانجام با کسان و نزدیکان و بستگان و آن‌چه در اختیار داشت، از حلوان حرکت کرد و به سوی قم و کاشان شتافت» (دینوری، ۱۴۱).

۳. قلعه‌ای در نزدیکی کاشان که خوارزمشاه به آن لشکرکشی نموده است (راوندی کاشانی، ۸۴).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

هرحال تکریم و تعظیم ابولؤلؤ در منظر مردم کاشان و قدمت بی‌بدیل مقبرهٔ ابولؤلؤ – به عنوان اولین بنای یادبود برافراشته‌شده در ایـران و در کاشـان (رجبـی، ۶۸)– بازتـابی از تمایلات شیعی مردم این ناحیه، از همان سدهٔ نخست هجری است.

از قرائن دیگر حضور تشیع در سدهٔ اول هجری در کاشان، وجود کارگزاران شـیعه و دوست‌دار اهل بیت علیهم‌السلام در این ناحیه است. عمار یاسر که مدت کوتاهی کارگزار خلیفـهٔ دوم (عمربن‌الخطاب) در کوفه بود، عروه‌بن‌زید طائی را با عنوان کارگزار به ری و دیلـم فرستاد و او پس از فتح مناطقی، در قم و کاشان مقـیم شـد (ابن‌اعـثم کـوفی، ۳۰۴/۲ و ۳۱۳؛ ابن‌حزم، ۴۰۴). به نقل بلاذری در انساب الاشـراف، مالـک اشـتر پـس از اخـراج سعیدبن‌عاص اموی – کارگزار عثمان در کوفه– افرادی ازجمله عروه‌بن‌زید طـائی ـ از ارادتمندان و صحابی امیرالمـؤمنین علیه‌السلام و یـاور آن حضـرت در نبـرد صـفین (ابن‌حجـر عسقلانی، ۴۰۴/۴) – را به مناطق یادشده فرستاد (البلاذری، ۵۳۵/۵). از سوی دیگر، نـام برخی راویان حدیث کاشانی، منسوب به سدهٔ اول هجری، در گزارشات تـاریخی ثبـت شـده اسـت. فـردی بـه نـام یزدویه‌بن‌ماهویـه در جریـان فتوحـات، اسـیر و سـهم عبدالله‌بن‌عباس شد و عبدالله نامش را به وثـاب تغییـر داد. وثـاب، پـس از دو سـال بـه کاشان بازگشت و فرزندش یحیی، در کوفـه اقامـت گزیـد و از پیشـوایان علـم قرائـت گردید (سمعانی، ۲۸۴/۱۳؛ ابوالشیخ، ۲۹۶/۱ و ۳۳۳).

از شواهد تاریخیِ حضور تفکر شیعی در کاشان در سدهٔ دوم هجـری، آن اسـت کـه مردم کاشان پس از امام سجاد علیه‌السلام، پیروی از فرزند ارشد او، محمد بـاقر علیه‌السلام را برگزیدنـد و از وی تقاضا نمودند نماینده‌ای از جانب خود برای رهبری و پیشوایی آنان به کاشـان اعزام نماید (رک: تذکره امامزاده، ۹۳۳ ه.ق).

با توجه به مطالب فوق و به پشتوانهٔ دوستی و محبت کاشانی‌ها نسبت بـه پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت ایشان علیهم‌السلام و به دلیل خطر جدی که از ناحیهٔ یهـود در منـاطق مرکـزی ایـران و به خصوص اصفهان و قم و کاشان، موجودیت سیاسی– عقیدتی اسلام و به خصوص شیعیان را تهدید می‌نمود، چنین استنباط می‌شـود کـه امـام بـاقر علیه‌السلام بـرای تبلیـغ اسـلام و ارشاد مردم و پاسخ‌گویی به احساسات ارادتمندانهٔ شیعیان به سـاحت اهـل‌بیـت علیهم‌السلام و دفع خطر فتنه‌های یهود، فرزند خود ـ علی‌بن‌محمد باقر علیهم‌السلام ـ را به ایـن منطقـه گسـیل

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

نموده است.

ب) پیامدهای مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیهما‌السلام به کاشان

شناسایی پیامدهای مهاجرت و فعالیت امامزاده علی، در دو سطح قابل بیان است؛ یکی پیامدهای معطوف به حضور آن جناب و دیگری آن‌چه پس از درگذشتشان رخ نمود. اما در زمان حضور، نقش تأثیرگذار ایشان در ایجاد وحدت بین شیعیان منطقه و حفظ ارزش‌های اسلامی و خنثی‌نمودن فعالیت‌های ضداسلامی برخی اقلیت‌های دینی، همچون یهود، قابل ذکر است. چنان‌که بیان شد، در دورهٔ حضور ایشان در کاشان، یهودیان نتوانستند اقدام آشکار سیاسی و اجتماعی داشته باشند؛ در حالی که قبل و بعد از او، خیزش‌های یهودی در اصفهان و قم، آشکارا دیده می‌شود. شاید به دلیل همین نقش بازدارندگی بود که والی قم، با ارسال نامه‌ای، ارقم شامی را فرماندهٔ لشکر ششصد نفری قرار داد و از طرف دیگر کارگزار نراق را با نامه‌ای جداگانه به کمک ارقم شامی فرستاد و زرین‌کفش، کارگزار اردهال را از تصمیمات گرفته شده، مطلع ساخته و بالاخره دستور کشتن سلطان‌علی را صادر نمود (رک: تذکره امامزاده، ۹۳۳ ه.ق).

اما قتل سلطان‌علی، موجب گردآمدن شیعیان منطقه شد. آنان هر سال در روز شهادتش، در محل امامزاده تجمع نموده و مقام وی را ارج می‌نهند. برگزاری مراسم آیینی قالی‌شویان در جوار امامزاده علی‌بن‌محمد باقر علیهما‌السلام، از مهم‌ترین پیامدهای فرهنگی اجتماعی مزار آن جناب در منطقهٔ اردهال است. در این مراسم که هرساله در دومین جمعهٔ مهرماه، با حضور هزاران نفر از ارادتمندان اهل‌بیت علیهم‌السلام از شهرهای مختلف ایران برپا می‌گردد، قالی مخصوص که نمادی از شهادت خونبار شهید دشت اردهال است، با ندای «یا حسین، یا حسین» توسط جوانان، به صورت نمادین شسته می‌شود و دوباره به آستانه امامزاده برگردانده می‌شود. طبق تذکرهٔ موجود در زیارتگاه، شباهت فراوانی بین واقعهٔ شهادت این امامزاده و واقعهٔ عاشورا و شهادت امام حسین علیه‌السلام وجود دارد و اعلام برائت از قاتلان امامزاده، همراه با شور حسینی در قالی‌شویان و برگزاری مجلس سوگواری اباعبدالله علیه‌السلام در محل امامزاده، گواه نوعی همبستگی و وحدت شیعیان است،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

که گاه تداعی وجهۀ سیاسی، یعنی مبارزه با ظلـم – هیهـات من‌الذلـه – می‌کنـد کـه در طول تاریخ استمرار داشته و دارد. اهمیت جهانی این مراسم درحدی است کـه یونسـکو آن را در فهرست میراث فرهنگی ناملموس، ثبت نموده اسـت (حسـینی، خیـزش قـالی شورون، ۵۶). بی‌گمان چنین آیینی، بستری برای تـرویج سـنت‌های شـیعی و گسـترش فرهنگ مذهبی فراهم می‌سازد؛ چنان‌که فرصتی برای همگرایی بیشتر و تلائم اندیشـه‌ای پدید می‌آورد.

نتیجه

در پی یافتن ریشه‌های مهاجرت علی‌بن‌محمد باقر علیهما السلام، دو قرینۀ «ترویج اندیشـه‌های امام محمد باقر علیه السلام» و « زمینۀ مساعد تاریخی- تمدنی کاشان» مورد توجه قـرار گرفـت. آزادی بی‌حـد و حصـر یهودیـان در اواخـر عصـر امـوی، نتـایجی همچـون گسـترش جنبش‌های سیاسی مذهبی یهود را در پی داشـت. از پیامـدهای ایـن جنـبش در جامعـۀ اسلامی، گسترش شبهات و مناقشات فکری یهود علیه اسلام بود. در همین زمینه، غلبـۀ فکری یهود در مناطق مرکزی ایران و کاشان، زمینه‌ای ایجاد نمود که یهودیان، کاشـان را اورشلیم دوم نامیدند. تغافـل خلفـای امـوی از خطـر یهـود و شـبهات آنهـا در جامعـۀ اسلامی، امام باقر علیه السلام را به اتخاذ رویکرد علمی و آغاز نهضـت فرهنگـی علیـه یهودیـان واداشت. از سوی دیگر، پیشینۀ فرهنگی مردم کاشان و علاقۀ وافر آنها به اهـل‌بیـت علیهم السلام، مراجعۀ ایشان به سوی امام و تقاضای معرفی نماینده را درپی داشت.

در چنین فضای فرهنگی- اجتماعی- سیاسـی، ابوالحسـن علی‌بن‌محمـد بـا دعـوت اهالی کاشان، از طرف امام باقر علیه السلام برای ترویج اندیشۀ ایشان با رویکـرد وحدت‌بخشـی فعالیت‌های عقیدتی- سیاسی شیعیان مُنتَظَر و دفع شـبهات یهـود، مأموریـت یافـت. در طول سه سـال حضـور امـامزاده علـی، اسـتقبال مـردم منطقـه و کاشـان از ارشـادات و فعالیت‌های تبلیغی ایشان، علاوه بر نگرانی یهودیـان منطقـه، زمینـۀ همگرایـی حاکمـان اموی با آنها را ایجاد کرد و منجر به شهادت مظلومانـۀ ایشـان در اردهـال گردیـد. ایـن واقعه به‌رغم خواست عاملان آن، علاوه بر تعمیـق محبـت بـه اهـل‌بیـت علیهم السلام، گسـترش اندیشۀ تشیع و بالندگی عقیدتی- سیاسی شیعیان منطقه را در پی داشته است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

منابع

ـ آل‌بحرالعلوم الطباطبایی، جعفر، *تحفه العالم فی شرح خطبه المعالم*، ج۲، تهران: مکتبه الصادق، ۱۴۱۰ق.

ـ اباابان، *قوم من: تاریخ بنی‌اسرائیل*، تهران: یهودا بروخیم، ۱۳۵۸ش.

ـ ابن‌أبی‌الحدید، عبدالحمیدبن‌هبه‌الله، شرح *نهج البلاغه*، ج۱۴، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی، بی‌تا.

ـ ابن‌اعثم کوفی، احمدبن‌اعثم، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، طبعه اولی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.

ـ ابن‌حجر عسقلانی، احمدبن‌علی، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، ج۴، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، طبعه الاولی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ـ ابن‌حوقل، محمدبن‌حوقل، *سفرنامة ابن‌حوقل: ایران در صورة الارض*، ترجمهٔ شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ش.

ـ ابوالشیخ، عبدالله‌بن‌محمد، *طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها*، ج۱، بیروت: مؤسسه الرساله، بی‌تا.

ـ ابوالفرج الاصفهانی، علی‌بن‌الحسین، *مقاتل الطالبیین*، قم: دارالکتاب، ۱۳۸۵ش.

ـ اذکایی، پرویز، *درگزین تا کاشان*، چاپ دوم، کاشان: سوره تماشا، ۱۳۹۲ش.

ـ اردبیلی، محمدبن‌علی، *جامع الرواه و ازاحه الاشتباهات عن الطرق و الأسناد*، ج۱، بیروت: دار الاضواء، بی‌تا.

ـ بحرانی اصفهانی، عبدالله‌بن‌نورالله، *عوالم العلوم و المعارف من الایات و الاخبار و الاقوال: مستدرک سیده النساء الی الامام الجواد*، تحقیق محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۴۱۳ق.

ـ البلاذری، احمدبن‌یحیی، *انساب الاشراف*، ج ۳ و ۵، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، طبعه الاولی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ق.

ـ بیرشک، ثریا، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری کاشان در بستر تاریخ»، *مجموعه مقالات کنگره معماری و شهرسازی*، ج۳، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

ـ حسینی، سیدمحمد، *خیزش قالی شورون*، چاپ دوم، بی‌جا: مؤلف، ۱۳۹۶ش.
ـ حسینی زرباطی، حسین، *بغیه الحائر فی احوال اولاد الامام الباقر*علیه‌السلام ، قم: مکتبه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۶ق.
ـ خواندمیر، غیاث‌الدین‌بن‌همام‌الدین، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، ج۱، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، چاپ دوم، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳ش.
ـ خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج۴، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم: دهاقانی (اسماعیلیان)، بی‌تا.
ـ دینوری، احمدبن‌داوود، *اخبار الطوال*، ترجمه صادق نشأت، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۶ش.
ـ ذهبی، شمس‌الدین، *تذکره الحفاظ*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ش.
ـ راوندی کاشانی، فضل‌الله‌بن‌علی، *دیوان السید الامام ضیاءالدین ابی‌الرضا فضل‌الله الحسنی الراوندی القاسانی*، تصحیح جلال‌الدین ارموی، تهران: مطبعه المجلس، ۱۳۷۴ش.
ـ رجبی، پرویز، *کاشان: نگین انگشتری تاریخ ایران*، تهران: پژواک کیوان، ۱۳۸۸ش.
ـ زبیری، مصعب‌بن‌عبدالله، *نسب قریش*، تصحیح لوی پرونسال، مصر: دار المعارف، ۱۹۷۶م.
ـ زجاجی مجرد، مجید، *سفیر ولایت: حضرت علی‌بن‌محمد الباقر*علیهماالسلام *را بیشتر بشناسیم به ضمیمه گزارشی کوتاه پیرامون امامزادة والامقام حضرت امامزاده حسین*علیه‌السلام، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۱ش.
ـ سمعانی، عبدالکریم‌بن‌محمد، *الانساب*، ج۱۳، حیدرآباد: مطبعه مجلس، ۱۴۰۲ق.
ـ الشبستری، عبدالحسین، *الفائق فی رواه وأصحاب الإمام الصادق*علیه‌السلام، ج۲، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق.
ـ شوشتری، نورالله، *مجالس المؤمنین*، ج۱، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۷۵ش.
ـ طوسی، محمدبن‌حسن، *الأمالی*، ج۱، قم: دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
ـ طوسی، محمدبن‌حسن، رجال، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
ـ عابدینی اردهالی، سیدحسین، *خورشید اردهال*، تهران: سفیر اردهال، ۱۳۸۸ش.
ـ عاطفی، افشین، *تذکره سلطان‌علی: دو رساله در زندگی و شهادت حضرت سلطان‌علی‌بن‌محمد باقر*علیهماالسلام، تصحیح افشین عاطفی، قم: نسیم حیات/ تهران: دعوت،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

۱۳۸۴ش.
ـ علی، سیدامیر، *تاریخ عرب و اسلام*، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: کمیسیون معارف، ۱۳۲۰ش.
ـ الغفاری، الشیخ عبدالرسول، *الکلینی و الکافی*، طبعه الاولی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
ـ غنوی، امیر، «طرح اندیشهٔ مهدویت از سوی امام باقر علیه‌السلام»، *مشرق موعود*، شماره ۲۸، ۱۳۹۲.
ـ فرخ‌یار، حسین، *مجموعة تاریخی مذهبی مشهد اردهال*، تهران: هیئت امنای سلطان‌علی‌بن‌محمد باقر علیهماالسلام، ۱۳۶۹ش.
ـ قزوینی رازی، عبدالجلیل، *نقض: معروف به بعض مثالب النواصب فی نقض « بعض فضائح الروافض»*، تصحیح میرجلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸ش.
ـ قمی، عباس، *الکنی و الالقاب*، ج۲، نجف: مطبعه الحیدریه، ۱۳۷۶ش.
ـ قمی، عباس، *منتهی الامال: زندگی چهارده معصوم علیهم‌السلام*، تهران: بهزاد، ۱۳۸۱ش.
ـ کلانتر ضرابی، عبدالرحیم، *تاریخ کاشان*، تهران: فرهنگ ایران‌زمین، ۱۲۴۱ش.
ـ کلینی، محمدبن‌یعقوب، *الکافی*، ج۱ و ۳ و ۴ و ۸ ، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
ـ کمونه حسینی، عبدالرزاق، *مشاهد العتره الطاهره و اعیان الصحابه و التابعین*، بیروت: مؤسسه البلاغ، ۱۴۰۸ق.
ـ گوئل، کهن، *بر بال خرد: جامعة یهودیان ایران و هفتاد سال رهبری مذهبی*، کالیفرنیا: انتشارات بنیاد آموزشی خاخام یدیدیا شوفط، ۲۰۱۰م.
ـ گیرشمن، رومن، *تاریخ ایران ازآغاز تا اسلام*، ترجمهٔ محمد معین، چاپ دوم، تهران: سروش گستر، ۱۳۹۲ش.
ـ لوی، حبیب، *تاریخ یهود ایران*، ج۲ و ۳، چاپ اول، تهران: کتابفروشی بروخیم، ۱۳۳۹ش.
ـ مؤسسه المعارف الاسلامیه، *معجم احادیث الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف*، ج۷، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۸ق.
ـ مدرسی طباطبایی، سیدحسین، *میراث مکتوب شیعه*، ترجمه سیدعلی قرایی و رسول

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]

جعفریان، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۸۳ش.
ـ مدنی، ملا عبدالرسول، *زندگانی حضرت سلطانعلی علیه‌السلام و نائب خاص حضرت امام محمدباقر علیه‌السلام*، طبع سوم، قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۰۳ق.
ـ المسیری، عبدالوهاب، *دایره المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ج۵، ترجمه مؤسسه فرهنگی مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران: کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۳ش.
ـ مغنیه، محمدجواد، *تاریخ خلفاء بنی‌امیه و بنی‌عباس*، ترجمه مصطفی زمانی، مشهد: کتابفروشی جعفری، ۱۳۴۱ش.
ـ مفید، محمدبن‌محمد، *ترجمه ارشاد شیخ مفید*، ترجمه حسن موسوی مجاب، قم: سرور، ۱۳۸۸ش.
ـ مقدسی، محمدبن‌احمد، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج۲، ترجمه علی‌نقی منزوی، چاپ اول، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش.
ـ نعمانی، محمدبن‌ابراهیم‌بن‌جعفر، *کتاب الغیبه*، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
ـ النمازی الشاهرودی، الشیخ علی، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، ج۵ ، تهران: حیدری، ۱۴۱۵ق.
ـ نوبختی، حسن‌بن‌موسی، *فرق الشیعه*، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۴ق.
ـ هاشمی‌تبار بیدگلی، سیدحسین، *نگینی بر انگشتر کویر*، چاپ اول، آران و بیدگل: یاران مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، ۱۳۹۰ش.
ـ حموی، یاقوت‌بن‌عبدالله، *معجم البلدان*، ج۴، طبعه الثانیه، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
_ Fischel, Walter Josef & Netzer, Amnon; "Isfahan"; Encyclopedia Judaica, Vol.10; 2nd ed., Thomson : Gale; 2007.
_ Fischel, Walter Joseph; "Persia"; Encyclopaedia Judaica, Vol.15; 2nd ed., Thomson : Gale, vol.15, 2007.
_ Herzfeld, Ernest E. , Archeaological History of Iran, London:British AcademyBritish Academy,1935.
_ Levy, Habib; Comprihensive History of THE JEWS OF IRAN(the Outset of the diaspora); Translated by George W. Maschke; Costa mesa- California: Mazda, 1999.
_ شناسه خبر: ۱۷۵۹۶۰۵، ۱۳۹۱/۹/۱۶ www.mehrnews.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.5.5]